

حج بستر معرفت افزایی در مسیر تکامل

مجتبی حیدری^۱

چکیده

حج از عبادات بسیار مهم و تأثیرگذار در تکامل انسان هاست؛ ازاین رو به انجام دادن آن بسیار توصیه شده است. حج آثار و نتایج فراوانی دارد؛ یکی از آثار آن تقویت شناخت و معرفت افراد در مسیر تکامل فردی و اجتماعی است. سؤالی که در این مقاله به دنبال پاسخ آن هستیم این است که حج در چه زمینه‌هایی می‌تواند بستری برای تقویت شناخت و آگاهی زائران باشد. برآیند تحقیق که به روش کتابخانه‌ای و توصیفی - تحلیلی صورت گرفته این است که حج حداقل در سه زمینه می‌تواند به تقویت شناخت افراد کمک کند:

۱. «خودشناسی»: حج فرصتی است که در آن افراد می‌توانند به خود بیندیشند، مصالح و مفاسد خود را بیابند و بر رعایت مصالح خود در طول زندگی عزم جدی پیدا کنند.
۲. «خداشناسی»: مراسم حج از نشانه‌های روشن توحید است و توجه به روح اعمال و مناسک و جنبه‌های نمادین حج گذراندن یک دوره کامل خداشناسی و خداپرستی است.
۳. «آموزه‌ها و معارف دینی»: حج‌گزاران در حج می‌توانند در راه فراگیری دین، احکام و آموزه‌های آن قدم بردارند و با بهره‌مندی افزون‌تر از آنها بازگردند و آموخته‌های خود را در سرتاسر جهان اسلام منتشر کنند.

کلیدواژه‌ها: حج، آثار حج، معرفت افزایی، تکامل در حج.

۱. دکتری روان‌شناسی و عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت، m.heidari@gmail.com

مقدمه

شناخت، از امور بسیار مهم برای انسان به عنوان یک موجود آگاه است. خداوند آدمی را به قوه عقل مجهز ساخت، توان کسب شناخت به او عطا کرد و از او خواست که بر اساس شناخت و آگاهی عمل کند. همه رفتارهای انسان باید بر پایه شناخت انجام گیرند تا از ارزش و جایگاه درخور برخوردار باشند. به فرموده امام علی (ع): «مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ»؛ «هیچ حرکتی نیست، مگر آنکه در انجام دادن آن نیازمند یک شناخت هستی. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۷۱)

شناخت به عمل انسان ارزش می دهد و بر تأثیرگذاری آن می افزاید. هر قدر شناخت آدمی در زمینه ای بیشتر باشد عمل او هم از ارزش بیشتری برخوردار خواهد بود و تأثیر بیشتری بر وجود وی خواهد گذاشت. رسول خدا (ص) فرمود: «أَفْضَلُكُمْ إِيْمَانًا أَفْضَلُكُمْ مَعْرِفَةً»؛ «با ایمان ترین شما کسی است که از شناخت بالاتری برخوردار باشد». (شعیری، بی تا، ص ۵)

عملی که انسان بدون شناخت انجام دهد، ارزشی ندارد و خداوند نمی پذیرد؛ چراکه مطابق فرمایش امام صادق (ع): «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَةٍ»؛ «خداوند هیچ عملی را نمی پذیرد، مگر آنکه از روی شناخت انجام گرفته باشد». (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۹۸)

مهم ترین کار انسان حرکت در مسیر کمال و سعادت ابدی است و این کار با بهره مندی هر چه بیشتر از شناخت و آگاهی میسر می شود.

از سوی دیگر حج یکی از پایه های مهم مسلمانی و دینداری است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۲). درباره حج و اهمیت آن روایات بسیار زیاد است؛ برای نمونه در حدیثی از امام علی (ع) چنین می خوانیم:

وَفَرَضَ عَلَيْكُمُ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلْأَنَامِ... جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا وَلِلْعَائِدِينَ حَرَمًا؛ فَرَضَ حَقَّهُ وَأَوْجَبَ حَجَّهُ وَكَتَبَ عَلَيْكُمْ وَفَادَتُهُ فَقَالَ سُبْحَانَهُ: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ

فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۱۴۱﴾ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱، ص ۴۵)

[خداوند،] حج خانه خویش را بر شما واجب کرده است؛ خانه‌ای که آن را قبله مردم قرار داده...؛ خداوند سبحان و بلندمرتبه حج را پرچم اسلام و حرم [امن] پناه‌آوردندگان قرار داده است؛ حق آن را فریضه و حج آن را واجب کرده و زیارتش را بر شما نوشته (واجب کرده) است. خداوند سبحان می‌فرماید: «برای خداست به عهده مردم که آهنگ خانه او کنند [و عمل حج به جا آورند]، هر کس که بتواند راهی بدان یابد و هر که کفر ورزد، همانا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است.

به دلیل اهمیت و جایگاه والای حج در میان عبادت‌ها، به این عمل در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام توجه ویژه‌ای شده و احکام، حکمت‌ها، کارکردها و آثار آن بیان شده است. همچنین مطالعات فراوانی در این باره انجام گرفته و کتاب‌ها و مقالات زیادی به چاپ رسیده است. اعمال، اسرار و معارف حج نقش مهمی در افزایش سطح شناخت مسلمانان و جامعه اسلامی ایفا می‌کند. حال سؤال این است که حج در چه زمینه‌هایی و چگونه بستر معرفت‌افزایی زائران است و بدین طریق آنان را در مسیر تکامل یاری می‌دهد؟ برکات حج همه جنبه‌های حیات بشری را فرامی‌گیرد و عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی را شامل می‌شود و شاید بتوان گفت که کلید این همه برکات «شناخت» است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳ش، ص ۲۵۴) کسب شناخت در حج می‌تواند انسان‌ها را در مسیر کمال و سعادت به پیش براند. نویسنده در این مقاله به این موضوع می‌پردازد و نقش حج را به عنوان بستر معرفت‌افزایی به منظور حرکت در مسیر کمال انسانی بررسی می‌کند. او در این زمینه به سه مطلب می‌پردازد: «حج و خودشناسی»، «حج و خداشناسی» و «حج و شناخت معارف الهی».

۱. حج و خودشناسی

قبل از پرداختن به اصل بحث لازم است بدانیم خودشناسی چیست و چه اهمیتی

دارد. تعاریف متعددی از خودشناسی بیان شده است. تعاریف مزبور را می‌توان در دو دسته عمومی و خصوصی جای داد.

همان‌طور که می‌دانیم هر انسانی دارای دو نوع ویژگی عمومی و اختصاصی است. ویژگی‌های عمومی به خصوصیات گفته می‌شود که در همه انسان‌ها مشترک‌اند؛ غرایز، نیازها، استعدادها، هوش، عقل، هیجان، انگیزه، هویت و اراده از این نوع خصوصیات هستند. ویژگی‌های اختصاصی شامل صفات و حالات خاصی است که فقط در یک فرد وجود دارند و او را از دیگران متمایز می‌سازند؛ مثل خوش‌خلقی، بدخلقی، حسادت، سخاوت، خونگرم بودن، بی‌قرار بودن، آرامش داشتن و....

بدین ترتیب گاه منظور از خودشناسی، شناخت ویژگی‌های عمومی بشر است؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم که انسان چه ویژگی‌ها و خصوصیات دارد. در این صورت خودشناسی معادل «معرفة النفس»^۱ است. چنین شناختی را می‌توان با روش‌های مختلف تجربی، عقلی و نقلی به دست آورد. اما گاهی منظور از خودشناسی، آگاهی یافتن به صفات و توانایی‌های شخصی و خصوصی خودمان است؛ یعنی می‌خواهیم بدانیم باهوش هستیم یا کم‌هوش، صبوریم یا عجول، درون‌گراییم یا برون‌گرا، بخیلیم یا بخشنده و خودخواه هستیم یا ایثارگر. هدف از این نوع خودشناسی، که در روان‌شناسی به آن خودآگاهی^۲ می‌گویند، درک ویژگی‌های اختصاصی خودمان است. در اینجا می‌توان هر دو معنای خودشناسی را منظور داشت.

خودشناسی، طبق هر دو معنای آن، به دلیل نتایج و فوایدی که بر آن مترتب است، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. ملا احمد نراقی آن را کلید سعادت دو جهان می‌داند (نراقی، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۷)؛ زیرا اولاً بدون خودشناسی رسیدن به کمال و خوشبختی تقریباً ناممکن

1. self-knowledge.

2. self-awareness.

است؛ ثانیاً شناخت انسان و آشنایی با دنیای پیچیده و اسرارآمیز وجود او بهترین راه شناخت آفریدگار هستی است. افزون بر این خودشناسی به آدمی کمک می‌کند تا جایگاه واقعی خویش را در عالم هستی دریابد و بداند که موجودی صرفاً مادی نیست، بلکه پرتوی از روح الهی در او دمیده شده که با آن می‌تواند از فرشتگان هم پیشی گیرد و خود را به اوج قرب الهی برساند. انسان با خودشناسی می‌فهمد که این موجود اسرارآمیز و خداگونه بیهوده و بی‌هدف آفریده نشده است (مؤمنون: ۱۱۶)؛ بلکه در پس هیاهوی زندگی و گذران شب و روز هدف و مقصدی برای او نهفته است. (شریفی‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۵). به قول سعدی (۱۴۰۲ ش) در دیباچه گلستان:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

البته در تربیت صحیح، در کنار تعلیم چگونگی رفتار صحیح با هممنوعان و برقراری ارتباط با خدا، تلقی صحیح از نفس و رفتار صحیح با خود نیز آموزش داده می‌شود. انسان باید بداند که نوع تعامل با خودش، شخصیت او را در جامعه نمایان می‌سازد؛ از این رو باید پیش از هر کار رابطه‌اش را با خودش سامان بخشد. این شیوه باعث می‌شود در گام نخست برای برقراری رابطه دلخواه با هممنوعان ابتدا رابطه‌اش را با خود اصلاح کند یا دست‌کم ظاهرسازی کند تا بتواند از این طریق زمینه برقراری رابطه مناسب با هممنوعان را فراهم آورد و برای این کار راهی نیست جز شناخت نفس خویش و در پیش گرفتن رفتاری خردمندانه در ارتباط با خود. (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴ ش، ص ۹۴)

به طور کلی آثار و فواید خودشناسی را می‌توان در این نمونه‌ها خلاصه کرد:

۱. شناخت بهتر خداوند؛

۲. زمینه‌ساز زندگی سعادت‌مندانه؛

۳. شکوفایی استعدادها و رشد فضیلت‌ها؛

۴. خودسازی و تهذیب نفس؛

۵. تأمین سلامت جسم و روح؛

۶. تقویت خویشتن داری؛

۷. هدفمند شدن زندگی؛

۸. افزایش اعتماد به نفس و خودباوری؛

۹. حل مشکلات روانی و رفتاری. (شریفی نیا، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۵-۲۵)

بدین ترتیب خودشناسی برای همه انسان‌ها ضروری است تا بتوانند به آنچه برای آن آفریده شده‌اند جامه عمل بپوشانند و راه سعادت ابدی خود را هموار سازند. برای تحقق این امر، ابزارها و امکانات بسیاری در متن دین قرار داده شده است که از جمله آنها می‌توان به «حج» اشاره کرد.

خودشناسی در حج

از فواید و کارکردهای مهم حج، فراهم کردن زمینه برای خودشناسی است. انسان در زندگی خود، اسیر روزمرگی می‌شود و به آنچه در اطراف او می‌گذرد، عادت می‌کند. در نتیجه، از حقایق و جنبه‌های دیگر زندگی خود غافل می‌شود. این غفلت می‌تواند پیامدهای ناگواری برای فرد به دنبال داشته باشد. گسستن او از شرایط عادی و روزمره زندگی، این موقعیت را برای انسان فراهم می‌کند تا به خود و پیرامون خود توجه کند (حسینی، ۱۳۹۳ ش، ص ۸۸) و حج موقعیت مناسبی برای این کار است. مقام معظم رهبری در نوشته‌ها و پیام‌هایشان به مناسبت حج در سال‌های مختلف، مطالب فراوانی در باب خودشناسی در حج دارند. ایشان شناخت نفس خویش را جوهر همه عبادت‌ها و مناجات‌ها معرفی می‌کنند و رسیدن به این شناخت را در سایه‌سار حج امکان‌پذیر می‌دانند:

انسان، با تدبیر می‌تواند ضعف و تهیدستی خود را در برابر خدا و علو و اقتدار

و عزت خود را در اتصال به خدا، به خوبی بشناسد. همچنین توهم باطل و غرور انگیز درباره هستی ضعیف خود را به دور افکند و شیشه کبر و خودپسندی را، که مایه زشت ترین خلقیات و رفتارهای اوست، به خاک بکوبد. از دیگر سو حلاوت ارتباط با خدا و به او پیوستن و از بت های درونی خویش گسستن را بچشد.

این شناخت اساسی، که جوهر همه عبادت ها و مضمون همه مناجات ها و راز و نیازهای اولیای خداست، آدمی را صیقل و صفا می بخشد و او را برای دیگر شناخت ها مستعد، و بر پیمودن همه راه های کمال توانا می کند. در زندگی عادی گرفتاری های دنیوی دل را غافل و مشغول می سازد و او را از این معرفت روشن باز داشته و حج، علاج قاطع این گرفتاری است. (پیام به حجاج بیت الله الحرام، ۱۳۷۷/۱/۱۲، به نقل از سایت مقام معظم رهبری)

تفکر در آفاق و انفس بهترین راه برای رسیدن به خودشناسی است. عرصه حج و سرزمین وحی این فرصت را فراهم می کند که در آفاق و انفس تفکر شود. مناسک حج از احرام تا تقصیر و از عرفات تا جمرات، مرحله به مرحله، از خودخواهی ها و تعلقات رها شدن به خود واقعی اندیشیدن و خود را یافتن است. آن گاه که حج گزار لباس دوخته از تن بیرون می آورد و لباس بندگی و طاعت بر تن می کند، هویت واقعی خود را می یابد. (حسینی، ۱۳۹۳ش، ص ۸۹)

شناخت خود به معنای تأمل در وجود خویش و شناخت ضعف ها و توانایی های آن است. در حج تعینات مادی و تشخیص به مال، مقام، نژاد، عنوان، زیور، لباس رنگ می بازد و آدمی جدا از آن عوامل و مؤلفه های تمایز، در کنار صدها هزار انسان دیگر به طواف و سعی و نماز و افاضه و وقوف می رود. در چنین فضایی هر انسانی از یک سو می تواند ضعف و تهی دستی خود را در برابر خدا، و علو و اقتدار و عزت خود را در اتصال به خدا به خوبی بشناسد و توهم باطل درباره هستی ضعیف خود را به دور افکند. و از

سوی دیگر حلاوت ارتباط با معدن عظمت و به او پیوستن و از بت‌های درونی خویش گسستن را بیازماید و بچشد.

این شناخت، که اصل و اساس همه عبادت‌ها و مضمون همه مناجات‌ها و راز و نیازهای اولیای خداست، زنگارهای وجود آدمی را پاک می‌کند و او را برای دیگر شناخت‌ها مستعد، و برپیمودن مسیر کمال توانا می‌سازد. در زندگی عادی گرفتاری‌های دنیوی و سرگرمی افراطی به زندگی روزمره، دل را غافل و مشغول می‌سازد و او را از این معرفت روشن بازمی‌دارد و دل او را تیره و تار می‌گرداند؛ و حج علاج واقعی این مشکل است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۵۶)

بنابراین فضای حج عامل مهمی در بیرون آوردن فرد از فضای غفلت‌زای زندگی و رسیدن به خودشناسی است؛ معرفتی که فرد را برای پذیرش معرفت‌های عمیق‌تری آماده می‌کند. (همان، ۱۳۹۳ ش، ص ۲۵۷)

جنبه آفاقی این سرزمین و عظمت کعبه و سرزمین وحی، همچنین حضور هزاران انسان موحد با رنگ‌ها و زبان‌های متفاوت، هر انسانی را به اندیشه وای دارد. جدا شدن از تعلقات مادی و دنیایی و احرام بستن در لباسی مانند لباس آخرت نیز آدمی را در سیر رسیدن به شناخت خود یاری می‌دهد. بنابراین خودشناسی از هدیه‌های حج به حج‌گزاران است و از این‌رو لازم است زائران خانه خدا از این فرصت فراهم شده بالاترین بهره را بگیرند. بر اساس معارف دینی، حج بهترین فرصت و موقعیت برای درک و فهم مقام راستین انسانی و بازگشت به آن عوالم الهی و قدسی است.

احرام آغاز حرکتی معنوی، سفری درونی، و پویشی فکری است. برای شناخت بیشتر خود و رسیدن به منزلت و مقام واقعی. حج‌گزار با زدودن آرایه‌های مادی از خود و گسستن تعلقات نفسانی، در صدد برمی‌آید واقعیت نفس و روح خود را بشناسد. انسانی که از حقیقت روحی و منزلت واقعی خویش به جهت آسیب‌ها و نارسایی‌های اخلاقی و معرفتی دور یا غافل شده می‌تواند با زدودن این زنگارها و موانع و نفس کشیدن در فضای جدید معنوی و عرفانی به

زوایای باطنی و فطری خود پی ببرد و به دنبال باز یافتن مقام اصیل خود باشد.

بر این اساس زائر بیت الله الحرام با مُحرم شدن، در برگردن پوشش ساده و بی آرایه و هشیار شدن نسبت به واقعیت وجود خود اذعان می کند که من به علت آلوده شدن به گناهان و غفلت ها چیزی نیستم و از منزلت واقعی خویش به دورم و به جهت کم کاری ها و نادانی ها در محضر حق، نیازمند مطلقم و به سبب نافرمانی ها و دنیاورزی ها از ساحت قدس و کمال خود بیگانه ام... (کارگر، ۱۳۸۷ش، ص ۸)

۲. حج و خداشناسی

مهم ترین و با ارزش ترین شناخت و علم جویی در نظر معصومین علیهم السلام شناخت خدا معرفی شده است. در روایتی وارد شده است:

«جَاءَ أَعْرَابِي إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلِّمْنِي مِنْ غَرَائِبِ الْعِلْمِ». قَالَ: «مَا صَنَعْتَ فِي رَأْسِ الْعِلْمِ حَتَّى تَسْأَلَ عَنْ غَرَائِبِهِ». قَالَ الرَّجُلُ: «مَا رَأْسُ الْعِلْمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ». قَالَ: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ حَقِّ مَعْرِفَتِهِ...» (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۸۴)

عربی بیابان گرد نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای رسول خدا، شگفتی های دانش را به من بیاموز». حضرت فرمود: «درباره سرآمد دانش ها چه می دانی که از شگفتی های آن می پرسی؟» مرد گفت: «سرآمد دانش چیست ای رسول خدا؟» حضرت فرمود: «شناخت خداوند آن گونه که سزاوار اوست».

در این روایت حضرت رسول صلی الله علیه و آله با توجه دادن سؤال کننده از شگفتی های دانش به مسئله شناخت خدا، گویی می خواهد این پیام را برساند که خداشناسی مهم ترین معرفتی است که شایسته صرف وقت و توان و هزینه برای فراگیری است.

امام صادق علیه السلام نیز درباره اهمیت خداشناسی می فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ الْفَرَائِضِ وَأَوْجَبَهَا عَلَى الْإِنْسَانِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ وَالْإِقْرَارُ لَهُ بِالْعُبُودِيَّةِ»؛ «برترین فرائض و واجب ترین آنها شناخت پروردگار و اقرار به بندگی اوست». (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۶۲)

توجه به این نکته لازم است که منظور از خداشناسی، آگاهی صرف از یک سری مفاهیم و تصدیقات درباره خدا نیست؛ چرا که چنین دانشی تأثیر چندانی در روح آدمی و تعالی معنوی او ندارد. خداشناسی آن‌گاه صورت واقعی و حقیقی به خود می‌گیرد که آدمی قلب خود را با خدای عزوجل پیوند زند و صفات جمال و جلال خداوند را با دیده دل مشاهده کند. خداشناسی واقعی آن است که نور حق وجود انسان را روشن کند و شخص عظمت و بزرگی خدا را درک کند و به دنبال آن با تمام وجود در مقابل خدا خاضع و خاشع شود. هر قدر این درک و احساس قوی‌تر باشد، می‌توان گفت سطح خداشناسی انسان نیز بالاتر و والاتر است.

افزون بر اینکه خداوند انسان را با صبغه توحیدی آفریده و وی را بر فطرت خداشناسی سرشته؛ به گونه‌ای که با ذات او عجین شده، و توحید را در همه معارف و دستورات و اعمال جوارحی و جوانحی خود اشراق کرده است. (شفیعی، ۱۳۸۰، ص ۸)

خداشناسی آثار و نتایج بسیار مهمی برای فرد و جامعه اسلامی در پی دارد. پی بردن و درک صفات خداوند - همچون مهربان، بخشنده، توبه‌پذیر و آمرزنده، دوست‌دار بندگان خوب، برآورنده حاجات و خواسته‌های بندگان، عزت‌بخش به مؤمنان، نجات‌دهنده بندگان از چنگال ستمگران و امثال این صفات - محبت او را بر دل‌ها می‌نشانند و شوق لقای او و آرمیدن در جوار رحمت او را در وجود آدمی شعله‌ور می‌کند. این حالات، زندگی انسان را متحول می‌کند، حرکات و رفتارهای انسان را تغییر می‌دهد و اصلاح اساسی شیوه عمل آدمی را موجب می‌شود.

شناخت درست خداوند و درک این صفات الهی به آدمی آرامش می‌دهد و از اضطراب و ترس می‌رهاند، احساس مسئولیت او را در قبال وظایفی که در برابر خداوند یا مخلوقات او دارد تقویت می‌کند و انگیزه او را برای انجام دادن کارهای خیر به منظور دریافت فوز عظیم الهی بیشتر می‌کند. مطلب مهم، شناخت و درک این صفات در

خدای متعال است. برای این امر صرفاً مطالعه کفایت نمی‌کند، بلکه لازم است آدمی در موقعیت‌ها و فضاهاى خاصی قرار گیرد تا به درک آن نائل آید. حج یکی از موقعیت‌هایی است که نقش مؤثری در افزایش معرفت انسان نسبت به خدای متعال ایفا می‌کند.

خداشناسی در حج

«حج» از برنامه‌های باشکوه عبادی، سیاسی و اجتماعی اسلام، و یک دوره کلاس خداشناسی است. (برکت‌رضایی، ۱۳۸۷ش، ص ۱) در واقع مهم‌ترین رکن معرفتی و سلوکی حج، توحید و خداشناسی است که در آثار عرفانی حج، به آن اشاره شده است و همه حکمت‌ها و آثار و اسرار حج به آن بر می‌گردد. (کارگر، ۱۳۸۷ش، ص ۶) تمام مراسم حج از نشانه‌های روشن توحید، و توجه به روح اعمال و مناسک و جنبه‌های نمادین آن، و گذراندن یک دوره کامل خداشناسی و خداپرستی است. (یزدانی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۲) به گفته عالم ربانی میرزا جواد آقا ملکی تبریزی:

خداوند متعال انسان را از خاک آفرید و او را به دیدار و پناه خود دعوت کرد. نزدیکی و پناه او نیز مخصوص بلندمرتبه‌گان و افراد بامعنویت است؛ و به جهت اینکه انسان در اوایل کار به دلیل فرو رفتن در تاریکی‌های عالم طبیعت و اسارت در کره خاکی و میان آب و گل به این عالم‌های عالی دسترسی نداشت، خداوند عالم او را با ایجاد مکانی آباد کرد و آن را خانه خود نامید، و آن را زیارتگاه زائرانش و طالبین حضرتش قرار داد تا برگرد آن چرخیده، زیارتش کرده، به مقتضای حال خود با پروردگارشان مأنوس شده و با این امور، آماده عالم‌های قدس و نزدیک شدن به خدا گردند.

برای این زیارت نیز عبادت‌هایی مقرر فرمود که تمامی آنها باعث پرواز از عالم خاکی به عالم ملکوت، جبروت و لاهوت است؛ به عبارت دیگر این مناسک حج، حج‌گزار را آماده زیارت کعبه حقیقی می‌کند که درباره آن در روایت آمده است: «زمین و آسمانم گنجایش من را ندارد، بلکه قلب بنده مؤمنم گنجایش

مرا دارد»؛ به عبارت دیگر این مناسک شناخت نفس را در پی دارد که از آن، شناخت پروردگار حاصل می‌شود. (ملکی تبریزی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۱)

دوره چند روزه مناسک حج، دوره تمرین و کارگاه آموزشی است و این امر درباره خداشناسی و توحید نیز به بهترین وجه جاری است. هدف از انجام دادن مناسک حج این است که زائر بیت‌الله الحرام، که در این چند روز دنیا را به کناری نهاده و رو به سوی خدا آورده، پس از بازگشت از سفر حج در طول زندگی نیز شیوه و سبک زندگی توحیدی را پیشه خود سازد. چنین شخصی به آن درجه از خداشناسی دست یافته که امام صادق علیه السلام درباره آن می‌فرماید:

اگر مردم از فضیلت شناخت خدا باخبر می‌شدند، به نعمت‌ها و خوشی‌های زندگی دنیوی، که خداوند دشمنان را هم از آن برخوردار ساخته است، چشم نمی‌دوختند و دنیایشان از آنچه با گام‌هایشان بر آن پای می‌نهند نیز کمتر می‌شد و با نعمت معرفت خدا متنعم می‌شدند و از آن لذت می‌بردند؛ همانند لذت بردن کسی که همواره در باغ‌های بهشت در کنار اولیای خداست. همانا شناخت خدا مونس در برابر هر وحشت، همدمی در برابر هر تنهایی، نوری در برابر هر تاریکی، نیرویی در برابر هر ناتوانی و درمانی برای هر بیماری است. (کلینی، ۱۴۰۷ش، ج ۸، ص ۲۴۷)

درباره تأثیرگذاری حج بر خداشناسی حج‌گزاران می‌توان به مطالب زیر توجه کرد:

۱. اصولاً خانه کعبه بر توحید صرف بنا شده است. در قرآن کریم می‌خوانیم:

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا﴾.

[به خاطر بیاور] زمانی را که جای خانه [کعبه] را برای ابراهیم آماده ساختیم [تا خانه را بنا کند و به او گفتیم: [چیزی را همتای من قرار مده.

این آیه بدین معناست که جایگاه کعبه و تعیین مکان و هندسه تأسیس آن بر مبنای توحید صرف است و هیچ شرکی - اعم از شرک جلی (مانند بت پرستی) و شرک خفی

(مانند ریا) - آن را آلوده نمی سازد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۰۸) توحید و خداشناسی واقعی آن گاه در آدمی تبلور می یابد که از هر چه غیر خداست ببرد و دل را فقط به خدا پیوند زند. در آن حال جز او نبیند و در همه چیز او را ببیند:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

«کعبه معظمه» خانه خدا کانون توحید و آیتی برای شناخت خداوند است. مقام ابراهیم، صفا و مروه، عرفات، منا و... هر کدام نشانه و علامتی برای شناخت معبود واقعی، و اعمال و مناسک حج، اعلام ندای بندگی و توحید است. حکیم متأله رفیعی قزوینی گفته است:

بدان که حاج در اعمال گذشته در عرفات و مشعر طلب منفعت می کند و آن نهایت مرتبه توحید و خداشناسی و نزدیک شدن به خدا و گذشتن از ماسوی الله و فناء فی الله است و توجه کامل به درگاه ربوبی و ارتباط و انقطاع تام به مقام احدیت کبری است. (پورامینی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۰)

میقات حج

۲. خداوند توحید را در همه معارف و دستورات و اعمال جوارحی و جوانحی، از جمله حج، اشراب کرده است. همه اعمال و مناسک حج - از احرام گرفته تا طواف، نماز طواف، سعی، تقصیر، وقوف در مواقیت، و قربانی و رمی جمرات - همه و همه درس خداشناسی و توحید می دهند و به دنبال آنند که آدمی را با خدا آشنا سازند. آنها می خواهند فطرت توحیدی انسان را از زیر لایه های متعدد زنگار بیرون کشند و حقیقت وجود او را، که با شناخت خدا آمیخته است، برای او آشکار کنند. حج از آغاز تا انجام آن نمونه ای است از توحید و طرد شرک. براساس آیه شریفه: ﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ﴾^۱ (آل عمران: ۹۷) حج ایمان

۱. برای خدا بر مردم [آنان که توانایی دارند] است که حج خانه [کعبه] به جای آورند و هر کس کفر پیشه کند [بداند که به] خداوند [ضرر نمی زند؛ چرا که او] از جهانیان بی نیاز است.

و توحید است و ترک آن موجب کفر عملی می شود. حج، سیر به سوی خدا و رفتن برای دیدار او و تلاش برای نزدیکی به خدایی است که در عین علوّ و بالایی، نزدیک است: ﴿فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾. (بقره: ۱۸۶) امام صادق (ع) درباره دعا هنگام سفر حج می فرمایند:

هنگامی که به قصد انجام حج و عمره از خانه خارج شدی دعای فرج را بخوان و آن دعا این است: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»... سپس بگو: «بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ... اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضْدِي وَ نَاصِرِي بِكَ أَحُلُّ وَ بِكَ أَسِيرُ... وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ هَذَا جُمْلَتُكَ وَ الْوَجْهُ وَجْهُكَ وَ السَّفَرُ إِلَيْكَ وَ قَدْ أَطْلَعْتُ عَلَى مَا لَمْ يَطْلُعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ... أَنَا عَبْدُكَ وَ بِكَ وَ لَكَ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۸۴-۲۸۵)

خدایی به جز خداوند بردبار و کریم نیست، خدایی به جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست. منزّه است خداوند، همو که پروردگار آسمان ها و زمین های هفت گانه و پروردگار عرش عظیم است، و سپاس مخصوص خداوند را که پروردگار جهانیان است... به نام خدا داخل شدم و به نام خدا و در راه خدا خارج شدم... خدایا، تو پشتیبان و یاور من هستی، به کمک تو بر منزل وارد می شوم و به کمک تو سیر می کنم... و هیچ توان و نیرویی جز به واسطه خداوند وجود ندارد، خدایا، من بنده تو هستم و این مرکب از توست و سمت و سویی که من به سوی آن رو کرده ام، سمت و سوی توست و این سفر به سوی توست و به تحقیق تو بر آنچه کسی بر آن اطلاع ندارد، مطلع هستی... من بنده تو هستم و از تویاری می جویم و اعمالم را برای تو خالص قرار می دهم.

حاجی با پوشیدن لباس احرام و گفتن «لبیک» همه مظاهر دنیا، ریا و شرک و هوا را کنار می گذارد و صبغه الهی به خود می گیرد؛ زیرا لبیک حج جاهلی، ندای شرک و بانگ بت پرستی بود؛ آنان می گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ،

تَمْلِكُهُ وَمَا مَلَكَ؛ (همان، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۴۲) و بدین گونه، وجود شریک را برای خدا بیان می کردند. اما لَبِیک در اسلام بانگ توحید است و اظهار عجز و عبودیت و صیقل دادن دل از زنگار هر نوع شرک خفی و جلی و اذعان به این حقیقت که ولایت مطلقه از آن خدای سبحان است: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ» (کهف: ۴۴). (شفیعی، ۱۳۸۰ش، ص ۸)

در مصباح الشریعه اقرار به وحدانیت خدا و تقرب به سوی او یکی از بایسته های حضور در عرفات دانسته شده و زیارت خانه الهی برای تعظیم یاد الهی و شناخت جلال و سلطنت او معرفی شده است:

وَ اعْتَرِفْ بِالْخَطَا بِالْعَرَفَاتِ وَ حَدِّدْ عَهْدَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَ تَقَرَّبْ إِلَيْهِ...
«وَزُرْ الْبَيْتَ مُتَحَفِّظًا لِعَظِيمِ صَاحِبِهِ وَ مَعْرِفَتِهِ وَ جَلَالِهِ وَ سُلْطَانِهِ» (منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۴۸ و ۴۹).

و در عرفات به خطا [واشتباهات خود] اعتراف کن و پیمان خود را نزد خداوند متعال با اقرار به یگانگی اش استوار ساز و به سوی او تقرب جو... (و خانه کعبه را به منظور بزرگداشت صاحب آن و شناخت او و بزرگی و سلطانش زیارت کن).

وقوف در عرفات برای شناخت خدای متعال است. (ملکی تبریزی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۳)
همچنین «مشعر» را به این سبب مشعر خوانده اند که محلی برای شعار حج، و خداجویی و راه خداشناسی و عبادت است. (قاسمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۴۲)

۳. اذکار و دعا های حج، همگی بر خداشناسی و توحید گواهی می دهند و بنده قدم گذاشته در راه مناسک حج را به کنار گذاشتن دنیا و روی کردن به سوی خدا فرا می خوانند. ذکر «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» در آغاز مناسک حج و هنگام احرام، کنار زدن همه امور دنیوی و مواجهه حضوری با خدای متعال و سخن گفتن با اوست. امام باقر علیه السلام درباره چگونگی ورود به مسجد الحرام می فرماید:

هنگامی که داخل مسجد الحرام شدی و در مقابل حجرالاسود قرار گرفتی بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَبِاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ» شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست، او واحد است و شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست. به خدا ایمان آوردم و به طاغوت، و به بت‌های لات و عزی، و به عبادت شیطان و عبادت هر شریکی غیر از خدا - که خوانده می‌شود - کفر ورزیدم.... سپس به حجرالاسود نزدیک شو و با دست راست آن را لمس کن، سپس بگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ عِنْدَكَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

به نام خدا، و خدا بزرگ‌تر است. خدایا، امانتم را ادا کردم و بر پیمانم عمل کردم تا نزد توبه وفاداری‌ام شهادت دهد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۰۳-۴۰۴)

خلاصه آنکه حج به حاجیان درس توحید و خداشناسی می‌دهد. از میقات و احرام تا طواف، نماز طواف و سعی، و در نهایت وقوف و رمی جمرات و قربانی، همه با توحید و خداشناسی و دوری از شرک و گرایش به طواغیت درآمیخته است. ارتباط عبادت و معرفت، ارتباطی متقابل و دو سویه است و هر یک دیگری را به دنبال می‌آورد؛ امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبْدُوهُ فَإِذَا عَبْدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ؛ (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۹)

همانا خدای عزوجل بندگان را نیافرید، مگر برای آنکه او را بشناسند. پس هنگامی که او را بشناسند، عبادتش می‌کنند و هنگامی که او را عبادت کنند، با عبادت او از عبادت غیر او بی‌نیاز می‌شوند.

حج راهی است برای شناخت خدا که به دنبال آن عبادت خداوند در سطحی

بالا تر تحقق می‌یابد. حج‌گزاران در این سفر مهم، شناخت و علم خود را درباره صفات و اسمای الهی فزونی می‌بخشند و با دقت و اندیشه در اعمال و ارکان حج و آیات بینات بی‌شمار، هر چه بیشتر با او آشنا می‌شوند و بر علم و یقین خود نسبت به آفریدگارشان می‌افزایند.

«توحید» در حج تجسم یافته و آغاز تا انجامش نمونه‌ای از یکتاپرستی و طرد شرک است. یکایک مناسک حج و تعبد و فروتنی محض در برابر معبود، نشانی از یگانگی خدا و علامتی بر قدرت و عظمت بی‌کران او و دریچه‌ای به شناخت آن وجود بی‌همتا است؛ چنان‌که صاحب المراقبات می‌گوید: «این عبادات و اعمال مناسک حج، باعث شناخت نفس می‌شود که شناخت پروردگار را دربر دارد» (ملکی تبریزی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۱)

۳. حج و شناخت آموزه‌های دینی

دین مبین اسلام، حاوی آموزه‌های بسیار بلندی است که بر عظمت این دین الهی دلالت می‌کنند؛ آموزه‌هایی که بر جان هر کس بنشینند او را به سوی سعادت ابدی و قرب الهی رهنمون می‌کنند. از این رو شناخت و فراگیری آنها بسیار پراهمیت است؛ و به همین دلیل نیز از دستورات مهم دین اسلام به پیروان خود، فراگیری آموزه‌ها و معارف دینی و الهی است. عمل مطابق این آموزه‌ها به شناخت آنها منوط است و بدون شناخت آنها مسیر رشد و کمال انسان‌ها تا حدود زیادی بسته است. بر این اساس روایات معصومین علیهم‌السلام مملوّ از توصیه‌های آن بزرگواران به فراگیری معارف اسلامی است. در این باره به چند حدیث توجه می‌کنیم.

- امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَتَمَامُ الْعِبَادَةِ وَالسَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَالتَّرْتِبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۱۰)

در دین خدا تحقیق و تفقه کنید که فهم و فقه کلید بینایی، و کامل‌کننده

عبادت، و سبب رسیدن به جایگاه‌های بلند و پایگاه‌های بزرگ در دین و دنیا است.

- امام صادق علیه السلام فرمود:

تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَلَا تَكُونُوا أَعْرَابًا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِ اللَّهِ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَمْ يُزَكِّ لَهُ عَمَلًا. (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۲۸)

در دین خدا تحقیق و تفقه کنید و مانند اعراب [بادیه‌نشین] نباشید؛ چرا که هر کس در دین خدا تحقیق و تفقه نکند، خداوند در روز قیامت به او نظر رحمت نمی‌کند و عمل او را پاکیزه نمی‌سازد.

اهتمام ویژه امامان معصوم علیهم السلام به فراگیری علم و تفقه در دین از سوی پیروانشان را در فرمایش امام صادق علیه السلام مشاهده می‌کنیم که فرمود: «لَيْتَ السَّيَاطُ عَلَى رُؤُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ»؛ «کاش تازیانه‌ها بر سر اصحاب من افراخته بود تا اینکه در حلال و حرام تفقه کنند. (همان، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۲۹).

تفقه در دین یعنی فراگیری ابعاد گوناگون دین و شناخت‌های دینی. فقیه در منطق احادیث و تعالیم معصومین علیهم السلام کسی است که دین را در بعد توحید و خداشناسی، حاکمیت سیاسی و اجتماعی، تربیت، اخلاق، خودسازی، مدیریت، قضا و... به خوبی بشناسد و خود نمونه عملی آن باشد. (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۱۰۲) بدین ترتیب ضرورت فراگیری آموزه‌های دینی و تفقه در آنها امری آشکار به نظر می‌رسد. اسلام خود برای این امر راه‌هایی تعبیه کرده است که از جمله آنها می‌توان به حج اشاره کرد.

شناخت آموزه‌های دینی در حج

حج این ظرفیت را دارد که در آن حج‌گزاران در راه فراگیری دین و احکام و آموزه‌های آن قدم بردارند و با بهره‌مندی افزون‌تر از آنها بازگردند و آموخته‌های خود را در سرتاسر جهان اسلام بپراکنند. شاهد این سخن، فرمایش امام صادق علیه السلام به هشام بن حکم

است، آن‌گاه که از ایشان سؤال کرد: «به چه علت خداوند بندگان را مکلف ساخته که حج بگذارند و کعبه را طواف کنند؟»:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْخَلْقَ... فَجَعَلَ فِيهِ الْاجْتِمَاعَ مِنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لِيَتَعَارَفُوا... وَ لِيَتَعَرَفَ أَثَارُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ تُعَرَفَ أَخْبَارُهُ وَ يُذَكَّرَ وَ لَا يُنْسَى وَ لَوْ كَانَ كُلُّ قَوْمٍ إِنَّمَا يَتَّكِلُونَ عَلَى بِلَادِهِمْ وَ مَا فِيهَا هَلَكُوا وَ خَرِبَتِ الْبِلَادُ... وَ عَمِيتِ الْأَخْبَارُ وَ لَمْ يَقِفُوا عَلَى ذَلِكَ، فَذَلِكَ عِلَّةُ الْحَجِّ. (شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۰۵-۴۰۶)

خداوند، مردمان را آفرید... پس در حج، گرد آمدن از شرق و غرب را قرار داد تا یکدیگر را بشناسند... و تا آنکه نشانه‌های پیامبر خدا و اخبار او شناخته و یاد شوند و فراموش نگردند؛ و اگر هر قومی به شهرهای خودشان و آنچه در آنهاست اتکا می‌کردند، هلاک می‌شدند و شهرها ویران می‌شد... و از خبرها آگاه نمی‌شدند. این است علت حج.

میقات حج

حج یکی از مظاهر و منابع فرهنگ و تمدن اسلامی است. می‌توان گفت که یکی از راه‌های پی بردن به نظریه‌های اسلامی در موضوعاتی خاص، تحلیل معارف و آموزه‌های دینی درباره حج است؛ چنان‌که تحلیل وقایع و آنچه در حج‌گزاری مسلمانان رخ داده نیز می‌تواند نشان‌دهنده بازتاب و تأثیر آن آموزه‌ها در زندگی مسلمانان باشد. (مهریزی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۴) حج، اجتماع بزرگی است که از دو جهت ساختاری و آموزه‌های دینی، منبع آگاهی عمومی است. (علوی‌زاده، ۱۳۹۶ش، ص ۵۸)

توجه به این نکته نیز لازم است که مناسک، آموزه‌ها و معارف اسلامی مشتمل بر رمز و رازها و اسرار هستند که پی بردن به آنها نیازمند دقت و توجه بالاست. آگاهی از آن اسرار و رموز می‌تواند زندگی دینی و معنوی حج‌گزاران را به سمت و سوی خداوند جهت‌دهی کند و ارتقا بخشد؛ از جمله این مناسک و آموزه‌های پررمز و راز، اعمال و مناسک حج است. در پس ظاهر هر یک از مناسک حج - از قبیل، طواف، سعی صفا

و مروه، وقوف در عرفات و مشعر و منا، قربانی و رمی جمرات - اسراری نهفته است که به مطالعه، اندیشه و تدبیر نیاز دارد. توجه به این اسرار هنگام انجام دادن حج، میزان بهره‌مندی معنوی زائران را از عمل حجتشان بسیار ارتقا می‌بخشد. در برخی از روایات معصومین علیهم‌السلام به این اسرار و رموز اشاره شده است؛ از جمله:

- امام عسکری علیه‌السلام از پدران خود، از امیر مؤمنان علیه‌السلام و آن حضرت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که فرمود:

...فَنَادَى رَبُّنَا عَزَّوَجَلَّ «يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ» فَأَجَابُوهُ كُلُّهُمْ وَهُمْ فِي أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». قَالَ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ تِلْكَ الْإِجَابَةَ شِعَارَ الْحَجِّ». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲۸)

پس پروردگارمان [در گفت‌وگویش با حضرت موسی علیه‌السلام] ندا داد: «ای امت محمد،» و همه آنان، درحالی‌که در صُلب پدران و رَحِم مادرانشان بودند، پاسخ دادند: «لَبَّيْكَ! ای خدا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ! همانا ستایش و نعمت و فرمان‌روایی از آنِ توست. تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ!»؛ پس خداوند عزوجل همین پاسخ را شعار حج قرار داد.

- امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُسْعَى لِأَنَّهُ يُذَلُّ فِيهَا كُلُّ جَبَّارٍ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۳۴)
هیچ بقعه‌ای نزد خداوند محبوب‌تر از مسعی نیست؛ چون در آنجا هر زورگویی را ذلیل می‌کند.

- امام صادق علیه‌السلام همچنین درباره سَرنام‌گذاری عرفات به این نام فرمود:

إِنَّ جَبْرِئِيلَ علیه‌السلام خَرَجَ بِإِبْرَاهِيمَ علیه‌السلام يَوْمَ عَرَفَةَ فَلَمَّا زَالَتِ الشَّمْسُ قَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ يَا إِبْرَاهِيمُ اعْتَرِفْ بِذَنْبِكَ وَاعْرِفْ مَنَاسِكَكَ، فَسَمَّيْتَ عَرَفَاتٍ لِقَوْلِ جَبْرِئِيلَ علیه‌السلام اعْتَرِفْ.

(شیخ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۴۳۶)

جبرئیل حضرت ابراهیم علیه السلام را روز عرفه بیرون آورد. چون ظهر شد به وی گفت: «ای ابراهیم، به گناهت اعتراف کن و عبادت هایت را بشناس». پس به دلیل سخن جبرئیل: «اعترف» (اعتراف کن)، آنجا عرفات نامیده شد.

هر چند مواردی از این قبیل، که در روایات به آنها پرداخته شده، بسیار است و مطالعه و آگاهی از آنها بسیار سودمند است. با این حال مهم درک و فهم عمیق این اسرار و معارف است که می‌تواند نگاه آدمی را به خود، خدا، اهداف، وظایف، حیات و مرگ و ... تغییر دهد و زمینه را برای تحولی عظیم در فرد فراهم کند، و عمل حج این امکان را برای حج‌گزاران فراهم می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه گفته شد از سویی تأکید اسلام بر لزوم توجه به شناخت در زمینه‌ها و عرصه‌های مختلف مربوط به کمال و سعادت انسان‌ها را نشان می‌دهد و از سوی دیگر بر عظمت حج و مناسک آن و جایگاه بی‌بدیل آن در میان آیین‌های اسلامی دلالت می‌کند. حج از چنان ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند با تقویت معرفت حاضران در آن مناسک عظیم‌القدر به مسائل مهم انسانی - یعنی خود، خدا و آموزه‌های دینی - آنان را در مسیر کمال به پیش برد و به سرمنزل مقصود، که همان سعادت دنیوی و اخروی است، نائل گرداند.

حج فرصت و موقعیتی بس مهم است که مانند آن برای افراد کم پیش می‌آید؛ به دلیل جایگاه حائز اهمیت شناخت برای افراد و جوامع، از این مهم نباید غافل شد - غفلت از این کارکرد حج موجب خسران بزرگ برای افراد و به تبع آنها برای جوامع است. از این رو لازم است در کنار آثار و کارکردهای حج، از نقش آن در بسترسازی برای افزایش شناخت به بهترین وجه بهره‌برداری شود. به‌ویژه مسئولان فرهنگی و تبلیغی حج، مسئولیت سنگینی در این زمینه بر عهده دارند.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه (نسخه صحیحی صالح)، شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت، چاپ اول.
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم، دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
۳. برکت رضایی، روزبه، (۱۳۸۷ش)، آشنایی با احکام، اسرار و معارف عمره و ویژه دانش آموزان، تهران، مشعر، چاپ اول.
۴. پورامینی، محمدامین، (۱۳۸۳ش)، اسرار و معارف حج: با الهام از درس‌های حکیم متّله آیت الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی رحمته الله، قم، بشیر اندیشه، چاپ اول.
۵. جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۳ش)، حج در اندیشه سیاسی اجتماعی مقام معظم رهبری، تهران، مشعر، چاپ اول.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ش)، صهباي حج، قم، مرکز نشر اسراء.
۷. حسینی، داود، (۱۳۹۳ش)، ابعاد اخلاقی حج در پیام‌ها و سخنان مقام معظم رهبری، تهران، مشعر، چاپ اول.
۸. حکیمی، محمدرضا و دیگران، (۱۳۸۰ش)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۹. خزاز رازی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، قم، بیدار.
۱۰. سبحانی نیا، محمدتقی، (۱۳۹۴ش)، رفتار اخلاقی انسان با خود، قم، دار الحدیث، چاپ دوم.
۱۱. سعدی، گلستان سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۲. شریفی نیا، محمدحسین، (۱۳۹۷ش)، چهره جان: خودشناسی با رویکرد یکپارچه توحیدی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۱۳. شعیری، محمد بن محمد، (بی تا)، جامع الأخبار، نجف، مطبعة حیدریة، چاپ اول.
۱۴. شفیعی، حسین، (۱۳۸۰ش)، «حج کانون معارف الهی»، مجله میقات حج، دوره ۹، شماره ۳۵، ص ۵-۱۴.

۱۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۵ق)، **علل الشرائع**، قم، کتابفروشی دآوری.
۱۶. -----، (۱۳۹۸ق)، **التوحید**، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول.
۱۷. -----، (۱۴۱۳ق)، **کتاب من لا یحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۸. علوی زاده، سید محمد، (تابستان ۱۳۹۶ش)، «حج و ارتقای سرمایه اجتماعی مسلمانان»، **مجله میقات حج**، سال بیست و پنجم، شماره ۱۰۰، ص ۵۶-۸۰.
۱۹. قاسمی، محمد علی، (۱۳۸۹ش)، **دانستنی های جوانان در سرزمین قرآن**، تهران، مشعر، چاپ اول.
۲۰. کارگر، رحیم، (۱۳۸۷ش)، «خودشناسی و منزلت یابی در حج رحمانی»، **مجله میقات حج**، شماره ۶۳، ص ۵-۲۰.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۲. حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، (۱۳۸۷ش)، **درسنامه پیش درآمدی بر فرهنگ نامه اسرار و معارف حج**، تهران، بعثه مقام معظم رهبری، معاونت امور روحانیون، چاپ سوم.
۲۳. ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا، (۱۴۱۶ق)، **المراقبات**، قم، مؤسسه دارالاعتصام، چاپ اول.
۲۴. منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، (۱۴۰۰ق)، **مصباح الشریعة**، بیروت، أعلمی، چاپ اول.
۲۵. مهریزی، مهدی، (۱۳۸۷ش)، «زن در حج گزاری مسلمانان»، **مجله میقات حج**، سال شانزدهم، شماره ۶۳، ص ۱۳۳-۱۴۸.
۲۶. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی، (۱۳۷۱ش)، **معراج السعاده**، قم، هجرت.
۲۷. یزدانی، خلیل الله، (۱۳۷۹ش)، **حج در ادب فارسی**، تهران، مشعر، چاپ اول.
۲۸. سایت مقام معظم رهبری: <http://www.leader.ir>



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی